



قیس بن مسهر صیداوی را بشناسیم/ من از شیعیان حسین بن علی هستم

قیس بن مسهر صیداوی، نزد ابن زیاد خود را شیعه امام حسین(ع) معرفی کرد و نه تنها از تهدیدات ابن زیاد هیچ واکنشی نداشت، بلکه از هر فرصتی برای یاری رساندن به فرزند پیامبر(ص) استفاده کرد.

قیس بن مسهر صیداوی، نزد ابن زیاد خود را شیعه امام حسین(ع) معرفی کرد و نه تنها از تهدیدات ابن زیاد هیچ واکنشی نداشت، بلکه از هر فرصتی برای یاری رساندن به فرزند پیامبر(ص) استفاده کرد.

خبرگزاری مهر: قیس بن مسهر صیداوی، یکی از شیعیان امام حسین(ع) نه تنها از تهدیدات ابن زیاد هیچ واکنشی نداشت، بلکه از هر فرصتی برای یاری رساندن به فرزند پیامبر(ص) استفاده کرد و سرانجام در این به دیدار حق شتافت.

قیام سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) یک حرکت الهی و فراتر از هرگونه تعلقات است. به همین منظور شایسته است تا نه تنها تمام مسلمانان، بلکه تمامی آزاداندیشان و عدالت‌خواهان جهان با تأسی از این وجود نورانی در راه برقراری عدالت گام بردارند. متأسفانه در دوران ما گروهی اندک که مجهز به امکانات فراوانی هستند تلاش می‌کنند تا با القای شبهات فراوان مردم را از معارف این امام هدایت‌گر دور کنند.

یکی از شبهات بی‌اساسی که این افراد منحرف به آن دامن می‌زنند این است که امام حسین(ع) توسط شیعیان خود به شهادت رسید. ما در چند نوشتار تلاش می‌کنیم تا این شبهه را از دو جهت بررسی کنیم.

یک جهت اینکه به بررسی شخصیت‌های شیعه آن زمان می‌پردازیم تا مشخص شود که شیعیان در آن واقعه بزرگ چه نقشی داشته‌اند. و دیگر آنکه، شخصیت و زندگی قاتلان امام حسین(ع) را نیز به خوانندگان محترم معرفی کنیم، تا مشخص شود که این جنایت‌کاران به چه نسبتی با تشیع و اهل‌بیت(ع) دارند.

در این نوشتار به فعالیت قیس بن مسهر صیداوی یکی از یاران امام حسین(ع) می‌پردازیم.

نام کامل او «قیس بن مسهر بن خلید بن جندب بن منقذ بن جسر بن نکره بن صیداء» است. قبیله او بنی صیدا نام داشت که یکی از طایفه‌های بنی اسد به شمار می‌آید.[۱] قیس بن مسهر قاصد بین مردم کوفه و امام حسین(ع) و همچنین رابط بین مسلم بن عقیل و حضرت بود، ولی مهم‌ترین فراز زندگی او زمانی رقم خورد که امام حسین(ع) به ناحیه حاجر از بطن الرمة رسید و قیس بن مسهر صیداوی را به همراه نامه‌ای به طرف اهل کوفه فرستاد که در آن چنین نوشت:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم؛ از طرف حسین بن علی به برادران مؤمن و مسلمانان، سلام‌علیکم، حمد و سپاس می‌کنم خدایی را که خدایی جز او نیست، اما بعد، نامه مسلم بن عقیل به من رسید، که از حسن نیت و اجتماع‌تان در یاری رساندن به ما و مطالبه حق ما خبر می‌داد. از خدا می‌خواهم کار را برایمان آسان و نیکو گرداند، به خاطر این نصرت و یاری، اجر عظیمی نصیب‌تان کند. روز سه شنبه هشتم ذی‌الحجه به طرف شما حرکت کردم، لذا وقتی فرستاده‌ام نزدتان آمد، در کارتان سرعت و اهتمام بورزید که من ان شاء الله در همین روزها نزد شما خواهم آمد، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.»[۲]

قیس در منطقه قادسیه با حصین بن نمیر برخورد کرد و به سرعت نامه امام حسین(ع) را پاره کرد. افراد حصین بن نمیر قیس را دست‌گیر کردند و نامه تکه‌تکه شده را یافتند. حصین او را نزد ابن زیاد فرستاد اوضاع قیس و نامه پاره را به ابن زیاد گزارش داد.

وقتی قیس را نزد ابن زیاد آوردند؛ ابن زیاد از او پرسید تو کیستی؟

قیس در پاسخ گفت: من مردی از شیعیان حسین بن علی(ع) هستم.

ابن زیاد گفت: چرا نامه را پاره‌پاره کردی؟

قیس جواب داد: از ترس تو، تا از مضمون آن مطلع نشوی.

ابن زیاد: این نامه را چه کسی نوشته؟

قیس جواب داد: حسین بن علی(ع)

ابن زیاد پرسید: به چه افرادی نوشته بود؟

قیس گفت: به قومی از اهل کوفه که من ایشان را نمی‌شناسم.

ابن زیاد که از مقاومت قیس بن مسهر به تنگ آمده با بود با عصبانیت گفت: یا می‌گویی که این نامه خطاب به چه افرادی است و یا این‌که بر منبر می‌روی و علی و حسن و حسین(ع) را دشنام می‌گویی تا از دست من خلاصی یابی و گرنه تو را قطعه قطعه می‌کنم.[۳]

قیس بن مسهر که به خوبی از نیات پلید ابن زیاد آگاه بود، تصمیم گرفت تا از فرصتی که ابن زیاد برایش فراهم کرده است استفاده کند و پیشنهاد ابن زیاد را پذیرفت. قیس خطاب به ابن زیاد گفت: من آن کوفیانی را که مخاطب نامه بودند را نمی‌شناسم ولی حاضرم تا بر بالای منبر حسین و پدر و برادرش(ع) را لعن کنم.

ابن زیاد که خود را برای یک مانور تبلیغاتی علیه امام حسین(ع) آماده می‌کرد، دستور داد تا قیس را به مسجد[۴] ببرند و مردم را جمع کنند تا قیس در حضور مردم اهل بیت پیامبر(ص) را لعن کند.

زمانی که قیس را نزد مردم حاضر کردند او خطاب به مردم کوفه چنین گفت: «ای مردم به زودی حسین بن علی(ع) بهترین خلق خدا، پسر فاطمه دختر پیمبر خدا(ص) می‌رسد، و من فرستاده او سوی شمایم. در شب از او جدا شدم، او را اجابت کرده و یاریش کنید». سپس ابن زیاد و پدرش را لعنت کرد و برای علی ابن ابی طالب(ع) آمرزش خواست.

پس از این سخنان، دژخیمان اموی به دستور ابن زیاد، قیس را از بالای قصر رها کرده و به شهادت رساندند.[۵] هنگامی که خبر شهادت قیس به امام حسین(ع) رسید برای او گریست و در حق او دعا کرد.[۶]

همان‌طور که گذشت قیس بن مسهر صیداوی، نزد ابن زیاد خود را شیعه امام حسین(ع) معرفی کرد و نه تنها از تهدیدات ابن زیاد هیچ واژه‌ای نداشت، بلکه از هر فرصتی برای یاری رساندن به فرزند پیامبر(ص) استفاده کرد و سرانجام در این راه به دیدار حق شتافت. حال سؤال ما از این افراد مغرض این است که آیا ممکن است فردی که خود را شیعه و فدایی اهل بیت پیامبر(ص) می‌داند و در راه حقانیت و مظلومیت سالار شهیدان، از جان خود می‌گذرد، دست در دست دشمنان اهل بیت پیامبر(ص) بگذارد و خون سرور جوانان اهل بهشت را بر زمین بریزد؟

برای مطالعه بیشتر به کتاب «تاریخ قیام و مقتل جامع سید الشهداء» مراجعه کنید.

پی‌نوشت

[۱]. بلاذری، احمد بن یحیی، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۴۱۷/۱۹۹۶، ج ۱۱، ص ۱۶۴ و یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۰.

[۲]. ابو مخنف کوفی، وقعة الطف، تحقیق: محمد هادی یوسفی غروی، ترجمه جواد سلیمانی [نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا]، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۰ش، ص ۹۷.

[۳]. ابن اعثم کوفی، کتاب الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالأضواء، ط الأولى، ۱۴۱۱/۱۹۹۱، ج ۵، ص ۸۲.

[۴]. در گزارش طبری به جای مسجد از قصر نام برده شده است.

[۵]. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية، ۱۳۸۷/۱۹۶۷، ج ۵، ص ۳۹۵.

[۶]. ابن اعثم، همان، ص ۸۳.